

سوالات خط به خط درس دوم

- ۱) آیا مسأله‌های فیلسوفان با توجه به پیشرفت علوم، تغییر می‌کند؟ ص ۹
- ۲) برخی از مسائل فیلسوفان که همواره برایشان ثابت بوده و با پیشرفت علوم تغییر نمی‌کند، کدامند؟ ص ۹
- ۳) رابطه میان موضوع و محمول در قضایای حملی، چند حالت می‌تواند داشته باشد؟ نام ببرید.
پاسخ: سه حالت: ۱. وجوب (ضرورت): اگر حمل محمول بر موضوع ضروری باشد.
۲. امکان: اگر حمل محمول برای موضعش ضروری نباشد و هم بتواند حمل شود هم نشود.
۳. امتناع: حمل محمول بر موضوع محال و غیرممکن باشد.
- ۴) برای رابطه ضروری میان موضوع و محمول سه مثال بیان نمایید. ص ۹
- ۵) برای رابطه امکانی میان موضوع و محمول سه مثال بیان نمایید. ص ۹
- ۶) برای رابطه امتناعی میان موضوع و محمول سه مثال بیان نمایید. ص ۹
- ۷) منظور از رابطه امکانی را توضیح دهید. ص ۱۰
- ۸) منظور از رابطه امتناعی را با مثال توضیح دهید. ص ۱۰
- ۹) ابن سینا با استفاده از چه بحثی ممکن الوجود بودن اشیاء را اثبات کرد؟ توضیح دهید. ص ۱۱
- ۱۰) پس از اثبات ممکن الوجود بودن اشیاء، چه سؤال فلسفی مهمی مطرح می‌شود؟ ص ۱۱
- ۱۱) با ذکر دو مثال مفهوم از بین رفتن حالت امکانی و برقراری رابطه ضرورت را توضیح دهید. ص ۱۱
- ۱۲) طبق نظر ابن سینا آنچه ذاتاً ممکن الوجود باشد، چگونه وجود برایش ضروری می‌شود؟ ص ۱۲
- ۱۳) منظور ابن سینا از واجب الوجود بالغير چیست؟ ص ۱۲
- ۱۴) منظور ابن سینا از واجب الوجود بالذات چیست؟ ص ۱۲
- ۱۵) طبق نظر ابن سینا واجب الوجود چند قسم است؟ پیام اصلی او و پیروانش چیست؟ ص ۱۲
- ۱۶) فلاسفه بعد از ابن سینا، برهان او در اثبات واجب الوجود را چگونه برهانی می‌دانستند؟ چه نامی برای آن برگزیدند؟ خود ابن سینا چه نامی را برای برهان خود برگزید؟ ص ۱۳
- ۱۷) توماس آکوئیناس در رابطه با برهان وجوب و امکان ابن سینا چه کرد؟ ص ۱۳
- ۱۸) در جهان اسلام چه فلاسفه‌ای از برهان ابن سینا استفاده کردند؟ چه کسانی آن را ارتقا بخشیدند؟ ص ۱۳
- ۱۹) منظور از نظریه امکان فقری (فقر وجودی) ملاصدرا چیست؟ ص ۱۳
- ۲۰) ملاصدرا براساس فقر ذاتی موجودات، چه دسته بندی‌ای را درباره موجودات ارائه می‌دهد؟ ص ۱۳
- ۲۱) نظریه امکان فقری (فقر وجودی) از ملاصدرا، چه تصویری را از جهان ارائه می‌دهد؟ ص ۱۳ و ۱۴

حال اگر از این منظر ماکروسکوپی (آبر موجودات) به سوی موجودات میکروسکوپی (ریز موجودات) سیری قهقرايي کنیم، می‌توانیم تخمین بزنیم که هر یک از این ۲۰۰۰ کهکشان شناخته شده، حدود ۱۰۰ میلیارد ستاره و سیاره دارد و هر کدام از آنها، از میلیاردها میلیارد موجود و عنصر ساده و پیچیده تشکیل شده‌اند. هر عنصری نیز از میلیاردها میلیارد اتم تشکیل شده است و در داخل هر اتم ذرات و نیروهای مختلفی حضور دارند.

۱- (چه آن روز که دانشمندان فکر می‌کردند جهان فقط از چهار عنصر تشکیل شده و چه امروز که دانسته‌اند طبیعت به این گستردگی است، بسیاری از مسئله‌های فیلسوفان همچنان ثابت مانده است و همین امروز درباره آنها بحث می‌کنند و کتاب می‌نویسند.) ۱

از جمله اینکه:

۲- [] جهان متهای است یا نامتهای؟

[] این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند «مه‌بانگ» دارد؟

[] هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟

آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیر جسمانی هم هست؟

آیا موجودات این جهان، چه متهای و چه نامتهای، می‌توانسته‌اند نباشند؟ (۲)

این درس درباره سوال آخر است. ما در این درس می‌خواهیم با نظر فیلسوفان درباره امکان و ضرورت این جهان آشنا شویم و برخی دیدگاه‌ها را درباره این سوال با هم مقایسه کنیم.

مفاهیم سه گانه

به سه دسته قضیه زیر توجه کنید.

عدد چهار زوج است.	دیوار خانه ما سفید است.	عدد هشت فرد است.
مثلث سه زاویه دارد.	خربزه میوه شیرینی است.	تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است.
اسب جاندار است.	هوای جنوب کشور گرم است.	مثلث، دایره است.

به نظر شما، رابطه میان این قضایا چگونه است؟ چه فرقی میان این سه دسته قضیه هست؟ آیا ممکن است عدد ۴ زوج نباشد، مثلث شکل نباشد و اسب جاندار نباشد؟

www.my-dars.ir

پاسخ منفی است؛ زیرا عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست؛ مثلث اگر شکل نباشد، مثلث نیست؛ اسب هم اگر جاندار نباشد، اسب نیست.

اما قضایای دسته دوم چطور؟ آیا ممکن است دیوار سفید نباشد و خریزه شیرین نباشد و هوای جنوب گرم نباشد؟ پاسخ مثبت است؛ یعنی، با اینکه دیوار خانه ما فعلاً سفید است، اما می تواند سفید نباشد. خریزه هم می تواند شیرین نباشد. هوای جنوب نیز می تواند گرم نباشد.

پس، می توان گفت محمول های قضایای دسته اول برای موضوعشان «ضروری» هستند؛ اما محمول های قضایای دسته دوم برای موضوعشان ضروری نیستند بلکه ممکن هستند؛ یعنی، هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند.

اکنون به قضایای دسته سوم نگاه می کنیم. می بینیم که در هر سه قضیه (برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد، موجودات روی زمین نامحدود باشند و مثلث، دایره باشد)

تصریح

در سه قضیه هندسی زیر، رابطه کدام موضوع با محمول خود واجب، کدام ممکن و کدام ممتنع است؟

- | | | |
|---|--|-------|
| 1 | مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است. | واجب |
| 2 | ارتفاع و میانه یکی است. | ممکن |
| 3 | مجموع زوایای مثلث سه قائمه است. | ممتنع |

تا اینجا با سه مفهوم «ضرورت»، «امکان» و «امتناع» تا حدودی آشنا شدید. حال پرسش این است که نسبت «وجود» و «هستی»، به عنوان یک محمول، با موضوع هایش چگونه نسبتی است؛ مثلاً وقتی می گوئیم «زمین هست»، «انسان هست» و «خدا هست»، رابطه «هستی» با زمین، انسان و خدا رابطه امکانی است یا ضروری یا امتناعی؟

ابتدا فعالیت زیر را انجام دهید تا پس از آن، پرسش طرح شده را بررسی کنیم.

تعیین رابطه

اگر بخواهیم وجود را محمول موضوعات زیر قرار دهیم، به نظر شما رابطه میان وجود با این موضوعات، از نوع «ضرورت» خواهد بود یا «امکان» یا «امتناع»؟

خاک	مهربانی	سوختن	سرد شدن	دیو	عدد بی نهایت	شریک خدا	فرشتگان	دریایی از جیوه	روح برنده	انرژی الکتریسته
امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	امتناع	امتناع	امکان	امکان	امکان	امکان

ممکن الوجود بودن اشیاء

در درس قبل، گفتیم که این سینا مغایرت میان وجود و ماهیت را به خوبی تبیین کرده است. وی از این بحث خود استفاده کرد و نظر دیگری را که فارابی و قبل از او، ارسطو به اجمال بیان کرده بودند، توضیح داد. این سینا می گوید: وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه «امکانی» برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتاً می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.

طرح یک سؤال

۱) (در اینجا این سؤال مهم پیش روی فلاسفه قرار می گیرد: اگر انسان، گیاه، حیوان و همه چیزهایی که این جهان را تشکیل داده اند، ذاتاً و ماهیتاً نسبت به وجود حالت «امکان» دارند، چگونه از حالت امکانی خارج شده و موجود شده اند؟ به عبارت دیگر، چرا «موجود بودن» برای این ماهیات «ضرورت» پیدا کرده است؟) ۱

قبل از بیان پاسخ فلاسفه به سؤال فوق، به این توضیح توجه کنید: درست است که رابطه میان دیوار و سفیدی یک رابطه امکانی است، یعنی دیوار ممکن است سفید باشد و ممکن است نباشد؛ اما اگر دیوار خانه ما سفید شد، معلوم می شود که این حالت امکانی از بین رفته و رابطه «ضرورت» برقرار شده است؛ و الا دیوار خانه سفید نمی شد. همچنین، درست است که رابطه میان «وجود» و «گیاه» یک رابطه امکانی است اما اگر گیاه موجود شد، معلوم می شود که رابطه ضرورت میان وجود و گیاه برقرار شده است؛ یعنی وجود برای گیاه ضرورت پیدا کرده است. ۲

اکنون بار دیگر به سؤال برگردیم: چرا انسان، گیاه، حیوان و سایر اشیاء که نسبت به وجود رابطه امکانی

داشته اند، از این رابطه خارج شده اند و وجود برای آنها ضروری شده است و موجود شده اند؟
 این سینا با سؤال کننده همراهی می کند و می گوید: آری، درست است. نمی شود که چیزی ذاتاً نسبت به وجود
 حالت امکانی داشته باشد و ممکن الوجود باشد و خود به خود از حالت امکان خارج شود و وجود برایش ضروری
 گردد و موجود شود. به عبارت دیگر، این اشیاء، که ذاتاً ممکن الوجودند، تا واجب الوجود نشوند، موجود نمی شوند و
 چون ماهیتاً واجب الوجود نیستند، عاملی دیگر این ماهیات را واجب الوجود کرده و به آنها وجود بخشیده است. پس،
 همه ماهیاتی که موجودند، به واسطه عاملی دیگر واجب الوجود شده اند. به عبارت دیگر، «واجب الوجود بالغیر»^{۱۴}
 (این سینا می گوید: اشیاء جهان، چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چون ذاتاً ممکن الوجودند، به
 واجب الوجود بالذاتی نیاز دارند که آنها را نسبت به وجود از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آنها ضروری
 و واجب نماید. بنابراین، اشیای جهان «واجب الوجود بالغیر» هستند. واجب الوجود بالذات، همان ذاتی است که
 وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی. بی نهایت شدن
 تعداد اشیاء جهان، نیازشان را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد، بلکه آنها را همچنان نیازمند نگه می دارد)
 (این سینا از اینجا نتیجه می گیرد که واجب الوجود بر دو قسم است:

- ۱ واجب الوجود بالذات
- ۲ واجب الوجود بالغیر.

پیام اصلی ابن سینا و بیروان او: موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون
 موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشئت گرفته اند) ^{۱۵}

تفکر

درباره دو سؤال زیر فکر کنید و پاسخ دهید.

- ۱ اگر وجود برای حقیقتی ضرورت ذاتی داشته باشد، آیا آن ذات می تواند موجود نشود؟ چرا؟
- ۲ اگر وجود برای امری امتناع ذاتی داشته باشد، آیا آن امر می تواند از امتناع خارج گردد و موجود شود؟ چرا؟
- ۳ خیر - زیرا ذاتی هر چیزی قابل انفکاک و جدایی از آن چیز نیست. در واقع ذاتی بودن و قابل انفکاک بودن با هم قابل جمع نیستند و جمع این دو متناقض است.
- ۴ خیر - زیرا اگر چیزی به خودی خود از چیزی جدا باشد و سرانجام آن جمع شود و نخواهد با آن جمع شود، متناقض نیست. (مستوفی بودن ذاتی وجود یعنی محال است موجود شود)

نگاهی به تاریخ

۱۶) فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی برای اثبات وجود خداوند دانسته و آن را «برهان وجوب و امکان» نامیده اند. ^{۱۷} (توماس آکوئیناس، که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می کرده است، این برهان را نیز در اروپا گسترش داد که مورد قبول بسیاری قرار گرفت.) ^{۱۸} در جهان اسلام نیز فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده اند. ملاصدرا و صدرائیان این برهان را ارتقا بخشیدند و علاوه بر همین بیان، از بیان قوی تری که با دستگاه فلسفی ملاصدرا سازگاری داشت، بهره بردند. ^{۱۸}

۱۹) (ملاصدرا می گوید، به جای نگاه کردن به ماهیت و مشاهده حالت امکانی آن نسبت به وجود و عدم، اگر به دو واقعیت نگاه کنیم، می بینیم که این واقعیات، عین وابستگی و نیازند؛ در میان این موجودات، نمی توان موجودی را یافت که وابستگی به غیر و نیازمندی سراسر وجودش را فرا نگرفته باشد. وی این «وابستگی» و «فقر وجودی» را «امکان فقری» نامید تا آن را از «امکان ماهوی» - که ابن سینا بیان می کرد - جدا کند. ^{۱۹}

۲۰) (وی می گوید، این فقر و نیاز ذاتی که در موجودات مشاهده می کنیم، باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی و بی نیازی برخوردار است. آن غنی بالذات، همان خداوند متعال است که همه موجودات به او وابسته اند.

پس، از نظر ملاصدرا وجود دو گونه است:

۱) وجود بی نیاز و غیروابسته

۲) وجودهای نیازمند و وابسته. ^{۲۰}

۲۱) (طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی»، جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر ذات الهی آنی پرتو

۱۲) (ابن سینا، این برهان را برهان صدیقین نامیده است) (الاشارات و تنبیها، ج ۳، ص ۶۶). انتخاب کلمه صدیقین با الهام از آیات قرآن کریم و مقام صدیقین در قرآن بوده است.

عنايت خویش را باز گیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور آنها خاموش می شود، ملاصدرا می گوید:

به هر جا دانه‌ای در باغ و راغی است درون مغز او روشن چراغی است
 بود نامحرمان را چشم و دل کور و گرنه هیچ ذره نیست بی نور
 بخوان تو آیه نور السموات که چون خورشید یابی جمله ذرات
 که تا دانی که در هر ذره خاک یکی نوری است تابان گشته، زان پاک

به کار ببندیم

بسیار بلند است (موجودی) دریا سه زوج است (امتناعی)
 پیراهن حسن آبی است (امکانی)

- مفاهیم مرتبط با هم را مشخص کنید و با آنها قضیه‌ی موجهه یا سالبه بسازید. سپس، رابطه‌ی میان موضوع و محمول را از حیث وجوب، امکان و امتناع مشخص کنید.
 - مثلث، جهان، مربع، فریاد، پیراهن حسن، عدد سه
 - چهار ضلع، نابود، سه ضلع، آبی، بلند، زوج
- رابطه‌ی وجود برای کدام یک از موضوعات زیر ضروری یا امکانی و یا امتناعی است؟

خداوند	انسان	شریک خداوند	آخرت	دریای جیوه	مستطیل	جمع شب و روز
ضروری	امکانی	امتناعی	امکانی	امکانی	امکانی	امتناعی

- آیا موجودات عالم را می توان به واجب و ممکن تقسیم کرد؟ اگر تقسیم به واجب و ممکن مناسب نیست کدام تقسیم مناسب است؟ بهتر آن است که گفته شود موجودات به واجب‌الذات و بالذات تقسیم می‌شوند.
- کدام گزینه صحیح است؟

اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما آن را در جهان نیابیم، معلوم می شود که:

- الف) این ماهیت ذاتاً نمی تواند موجود شود. X
- ب) این ماهیت هنوز از حالت امکانی خارج نشده است. ✓
- ج) علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد. X